



Analysis and Evaluation of Structural Efficiency in the Mahdist Political System*

Abolhassan Ghasemfam

Level 4, Mahdaviyat Specialized Center, Hawza Ilmiyya of Qom, Qom, Iran.
ghasemfam67@gmail.com; <https://doi.org/10.22081/jm.2026.74863.1140>

Abstract

The Era of Reappearance (Asr al-Zuhur), representing the ultimate and practical manifestation of divine sovereignty on Earth, possesses, by both rational and scriptural evidence, a highly precise and coherent order. This order constitutes a transcendent system encompassing all dimensions of human existence. Among the most vital and complex domains of this system is its political configuration. A critical aspect of political systems is "efficiency," which plays a foundational role in societal management; without it, even the noblest objectives fail to achieve practical realization. To understand this phenomenon, a four-level scientific model for analyzing political systems—comprising the levels of thought, structure, agent, and behavior—can be employed. Within this framework, the structural level occupies a privileged position, as it assumes the role of regulating and organizing various elements. In essence, it is the structure that determines how ideas are transformed into behavior and how agents can perform their duties

* Ghasemfam, A. (2025). Analysis and Evaluation of Structural Efficiency in the Mahdist Political System. *Mahdavi Society*, 6(2), pp. 331-359.

<https://doi.org/10.22081/jm.2026.74863.1140>

□ **Type of article:** Research Article * **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

□ **Received:** 2025/03/05 • **Revised:** 2025/05/01 • **Accepted:** 2025/07/24 • **Available Online:**

© 2025



in the copyright and full publishing rights

with minimal energy loss and maximum productivity. Accordingly, this research investigates the structural efficiency of the Mahdist political system through a descriptive-analytical methodology. The findings of this study demonstrate the structural efficiency of the Mahdist political system in two dimensions: governance structure and governance instruments. In the first dimension, the research reveals that the Mahdist political structure rests upon four main pillars, the harmony of which guarantees the stability of the regime: the People (as the subject and primary objective of governance), the Land (as the geographical and sovereign landscape where the political order is implemented), the Government (as the essence and general form of managing societal affairs), and Sovereignty (as the legitimate, divine power that exercises control and guidance over these elements). In the second dimension, the governance instruments of this structure are elucidated, which include mechanisms such as the utilization of science and technology, the employment of specialized administrators, the application of collective wisdom (shura), reliance on expert consultative groups, cultural engineering, and the enactment of taxation laws and regulations.

Keywords

Mahdism, Mahdist Political System, Structural Efficiency, Governance Structure, Governance Instruments.



بررسی و تحلیل کارآمدی ساختاری نظام سیاسی مهدوی*

ابوالحسن قاسمفام

سطح چهار، مرکز تخصصی مهدویت، حوزه علمیه قم، قم، ایران.
ghasemfam67@gmail.com; <https://orcid.org/0009-0003-9459-761X>

چکیده

عصر ظهور که عصر تجلی نهایی و عملی حاکمیت خداوند روی زمین است، به حکم عقل و نقل، از یک نظم و نظام بسیار دقیق و منسجم برخوردار است. این نظم، یک نظام متعالی است که تمام ابعاد حیات بشری را در بر می گیرد. از حیاتی ترین و پیچیده ترین ساحت های این نظام، نظام سیاسی است. از مقوله های مهم در بحث نظام سیاسی، مسئله کارآمدی است که در مدیریت یک جامعه، نقشی بنیادین دارد؛ زیرا بدون کارآمدی، حتی شریف ترین اهداف نیز در عمل به نتیجه نمی رسند. برای درک این موضوع، می توان از یک مدل علمی چهارسطحی برای تحلیل نظام های سیاسی استفاده کرد که مشتمل بر سطوح فکر، ساختار، کارگزار و رفتار است. در این میان، سطح ساختار جایگاهی ویژه دارد؛ زیرا ساختار، نقش تنظیم کننده و سازمان دهنده عناصر مختلف را بر عهده دارد. در واقع، ساختار است که تعیین می کند چگونه فکرها به رفتار تبدیل شوند و چگونه کارگزاران بتوانند فعالیت های خود را با کمترین اتلاف انرژی و بیشترین بهره وری انجام دهند. براین اساس، این پژوهش، کارآمدی ساختاری نظام سیاسی مهدوی را با روش توصیفی - تحلیلی مورد واکاوی دقیق قرار داده است. دستاورد و خروجی این پژوهش، اثبات کارآمدی ساختاری نظام سیاسی مهدوی در دو محور ساختار حاکمیتی و

* قاسم فام، ابوالحسن. (۱۴۰۴). بررسی و تحلیل کارآمدی ساختاری نظام سیاسی مهدوی. جامعه مهدوی، ۶(۲)، صص ۳۳۱-۳۵۹.

<https://doi.org/10.22081/jm.2026.74863.1140>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱ □ تاریخ انتشار آنلاین:

© ۲۰۲۵ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



ابزارهای حاکمیتی است. در محور نخست، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ساختار سیاسی مهدوی بر چهار رکن اصلی استوار است که هماهنگی میان آن‌ها، ثبات حاکمیت را تضمین می‌کند: مردم (به‌مثابه سوژه و هدف اصلی حاکمیت)، سرزمین (به‌مثابه بستر جغرافیایی و حاکمیتی که نظم سیاسی در آن اعمال می‌شود)، حکومت (به‌مثابه ماهیت و شکل کلی مدیریت امور جامعه) و حاکمیت (به‌مثابه قدرت مشروع و الهی که بر این عناصر تسلط و هدایت دارد). در محور دوم، ابزارهای حاکمیتی این ساختار تبیین شده که شامل ابزارهایی نظیر بهره‌گیری از علم و فناوری، به‌کارگیری مدیران متخصص، استفاده از خرد جمعی، تکیه بر کارشناسی‌های گروه‌های مشورتی، فرهنگ‌سازی و تصویب قوانین و مقررات مالیاتی است.

کلیدواژه‌ها

مهدویت، نظام سیاسی مهدوی، کارآمدی ساختاری، ساختار حاکمیتی، ابزارهای حاکمیتی.

مقدمه

در عصر ظهور که عصر حاکمیت امام مهدی علیه السلام است، نظام اجتماعی جامع و کاملی در جهان برقرار خواهد شد که از شئون مهم آن، نظام سیاسی حکومت حضرت است. اهمیت این بحث، آنجا ظهور و بروز بیشتری می‌یابد که به جنبه جهانی بودن حکومت حضرت توجه کافی شود. اگر قرار باشد حکومتی در سطح بین‌المللی دایر شود، حتماً باید از یک نظام سیاسی کارآمد و نمونه‌ای برخوردار باشد که بتواند وظایف خود را به‌نحو احسن انجام دهد. امروزه در نظام‌های سیاسی، بسیار روی مسئله کارآمدی تأکید می‌شود. این بدان جهت است که حفظ ثبات سیاسی و اقتدار حکومت، مرهون کارآمدی آن است. همچنین نظام سیاسی به مثابه کلان‌ترین بخش یک نظام اجتماعی، نقش حساس و محوری در دیگر ساختارهای نظام اجتماعی دارد؛ به گونه‌ای که نیل به کارآمدی نظام سیاسی، دیگر اهداف نظام اجتماعی را نیز محقق خواهد کرد. کارآمدی سطوح مختلفی دارد که طبق یک الگو، مشتمل بر چهار سطح فکر، ساختار، کارگزار و رفتار است. در این پژوهش، کارآمدی نظام سیاسی مهدوی در سطح ساختار با روش توصیفی - تحلیلی مورد کاوش قرار خواهد گرفت. بحث درباره کارآمدی ساختاری به این دلیل اهمیت دارد که ساختارها نقش حیاتی در تعیین نحوه عملکرد و دستیابی به اهداف در یک جامعه دارند. یک ساختار ناکارآمد می‌تواند به هدر رفت منابع، افزایش هزینه‌ها، کاهش بهره‌وری و در نهایت، عدم تحقق اهداف کلان بینجامد. در مقابل، یک ساختار کارآمد می‌تواند به بهینه‌سازی فرایندها، افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و دستیابی به نتایج بهتر کمک کند.

براساس تتبع نگارنده، نوشتاری مستقل که این بحث را با رویکرد مهدوی دنبال کند، یافت نشد؛ هرچند در سطح عام، پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده است، از جمله:

۱. کلانتری (۱۳۹۳)؛ که در بخشی از این مقاله، کارآمدی نظریه سیاسی اسلام از زاویه ساختار و سازوکارهای حاکمیتی مورد بررسی قرار گرفته است.
۲. نوروزی (۱۳۹۴)؛ که مؤلف در آن، این پرسش اساسی را مورد توجه خود قرار

داده است که شاخص‌های کارآمدی اسلام در ساختارسازی و طراحی مدل نظام اسلامی کدام‌اند؟

۳. قیصری و قربانی (۱۳۹۴)؛ که در قسمتی از این پژوهش، شاخص‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح ساختار مورد مطالعه قرار گرفته و با توجه به این شاخص‌ها، مدلی برای ارزیابی کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ارائه شده است. چنان‌که ملاحظه می‌شود، هیچ‌کدام از مقالات یادشده، مسئله کارآمدی ساختاری را در نظام سیاسی مهدوی مورد تحلیل و کاوش قرار نداده‌اند؛ از این‌رو امتیاز و جهت نوآوری این نوشتار، پرداختن به این مهم، با نگاه مهدوی است.

۱. چیستی کارآمدی ساختاری

«کارآمدی ساختاری» مرکب از دو واژه «کارآمدی» و «ساختار» است. کارآمدی، از مفاهیم مهم و بنیادین در سه قلمرو مدیریت، اقتصاد و علوم سیاسی است؛ هرچند ریشه آن به علم مدیریت بازمی‌گردد و بعدها به تدریج در عرصه مباحث سیاسی راه یافته است. در فرهنگ‌ها و معاجم لغوی، کارآمد به معنای کاردان، کارآموده، لایق، شایسته و کسی که کارها را به نیکویی انجام می‌دهد و نیز کارآمدی به معنای شایستگی و کفایت به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۱۷۹۵۳؛ معین، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۹۱۲؛ عمید، ۱۳۸۳، ص ۹۵۴؛ انوری، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۵۶۵۹). در عرصه علم سیاست، «ابوالحمد» کارآمدی را مترادف با کارایی یا قاطعیت نظام سیاسی دانسته است و در تعریف آن می‌نویسد: «کارایی انجام اقداماتی است که از آن راه، بیشترین بازده و بهره را با کمترین کوشش، رنج و خشونت بتوان به دست آورد» (ابوالحمد، ۱۳۷۴، ص ۲۴۷). از دیدگاه وی، نظام سیاسی وقتی کارایی دارد که بتواند وظیفه‌هایی را که بیشتر حکومت‌شوندگان از آن انتظار دارند، انجام دهد. وظیفه اصلی یک نظام سیاسی، پشتیبانی همه‌جانبه از زندگی فردی، سیاسی، اجتماعی، مادی و معنوی همه شهروندان، به‌ویژه پاسداری از امنیت و آسایش آنان در اجتماع است. (ابوالحمد، ۱۳۷۴، ص ۲۴۷) در تعریف ساختار، برخی گفته‌اند: «ساختار را می‌توان پیکره سازمان یافته اجزایی تعریف کرد که پیوند متقابل و دوطرفه دارند»

(آوتویت و باتامور، بی تا، ص ۵۴۷). در «فرهنگ علوم سیاسی» نیز آمده است: «این واژه برای مشخص نمودن طرز به هم پیوستگی یک مجموعه و ناهمگنی آن با سایر مجموعه‌هاست. به عبارت دیگر، ساخت یا ساختار، بیانگر نظم و نسق مجموعه‌ای از اشیا، اجزا و نیروهایی است که به نحوی کنار هم قرار گرفته‌اند که کلی خاص را تشکیل می‌دهند» (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص ۳۸۰). براساس مطالب یادشده، زمانی می‌توان یک نظام و مجموعه را به کارآمدی ساختاری وصف کرد که پیکره و اجزای تشکیل دهنده آن به گونه‌ای منسجم و سازمان یافته باشد که اقدامات آن، در راستای یک هدف مشخص و متعالی، به بهینه‌سازی فرایندها، افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و دستیابی به نتایج بهتر بینجامد. کارآمدی ساختاری، یکی از سطوح کارآمدی در هر نظام سیاسی است. از این زاویه، توجه اصلی به ساختار و سازوکارهاست؛ بدین معنا که آیا حکومت در ساختار حاکمیتی از یک سو، و ابزارهای لازم برای طراحی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی به منظور نیل به اهداف خود از سوی دیگر، از ظرفیت‌های لازم و ابزارهای کافی برخوردار است؟ بدون شک وجود ظرفیت‌های لازم و ابزارهای کارآمد در این مرحله، در کارآمدی حکومت بسیار حیاتی است (کلانتری، ۱۳۹۳، ص ۴۷۰).

۲. کارآمدی ساختاری در نظام سیاسی مهدوی

ساختار نظام سیاسی مهدوی براساس احکام حکومتی و متناسب با اقتضائات و استلزامات عصر ظهور است؛ گرچه محتوای آن عادلانه و معطوف به تحقق عدالت، اصول و ارزش‌های اسلامی است. از منظر سیاسی، جهان‌داری مهدوی بر حمایت از صالحان، مستضعفان و محرومان استوار است؛ درحالی که از منظر اجتماعی، هدف آن تقویت همبستگی درونی نهادها در راستای اقامه توحید و پرورش امت اسلامی با پشتوانه قرآن است. الگوی این جهان‌داری، حاصل تلفیقی میان آموزه‌های ناب اسلام مهدوی در ارزش‌ها و اصول و بهره‌گیری از عالی‌ترین تجربه‌های شخصی ولی عصر علیه السلام است که محصول عمر بلند ایشان است (سلمان، ۱۳۹۶، ص ۹۲). بنابراین نظام سیاسی مهدوی از کارآمدی ویژه‌ای در سطح ساختار برخوردار است.

از آنجاکه بحث کارآمدی ساختاری هر نظام سیاسی در دو محور ساختار حاکمیتی و ابزارهای حاکمیتی قابل بحث است؛ بحث کارآمدی را در این دو سطح بررسی می‌کنیم:

۱-۲. کارآمدی از جهت ساختار حاکمیتی

در این محور، از چهار عنصر اساسی تشکیل‌دهنده ساختار نظام سیاسی مهدوی بحث می‌شود:

۱-۱-۲. مردم

برخلاف حکومت‌های خودکامه، مردم در حکومت اسلامی از تکیه‌گاه‌های اصلی اقتدار سیاسی به شمار می‌آیند و سهمی چشمگیر در این میدان بر دوش دارند (سلیمان، ۱۳۹۲، ص ۱۸۲). جایگاه مردم در حکومت مهدوی نیز به مثابه مصداق تام حکومت اسلامی، چنین است. مردم عصر ظهور، هم ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارند و هم دارای نقش‌های مهمی در آن روزگار هستند.

۱-۱-۲. ویژگی‌های مردم عصر ظهور

برخی از ویژگی‌های مردم در روزگار ظهور به شرح زیر است:

الف) دین‌گرایی وصف‌ناپذیر: خداوند در سوره فتح به پیامبر خویش از پیروزی عظیمی خبر می‌دهد که با فتح مکه تحقق می‌یابد؛ اما عمومیت واژه «فتح» و بشارت گرویدن گروه‌های مختلف مردم به دین اسلام، نمی‌تواند فقط به فتح مکه و غلبه بر کفار قریش اشاره داشته باشد. گسترش نفاق پس از پیروزی و فتح مکه، خود برترین دلیل نام‌نبودن این مصداق برای اطلاق عمومیت آیه است. این وعده زمانی تحقق می‌یابد که گستره اطلاق آیه بر گرویدن فوج‌های آدمیان به اسلام، با تمامی عمومیت خویش، بر مصداق تأویلی خویش دلالت کند. گستره حکومت مهدوی می‌تواند برترین مصداق این سوره باشد که فتح به تمامی معنا تحقق خواهد یافت و با برچیده‌شدن تمامی

مظاهر شرک و نفاق، دیگر جایی برای بازگشت دوباره به قهقرای ظلمت باقی نخواهد ماند. براین اساس، دین‌گرایی مردم در عصر ظهور، وصف‌ناپذیر خواهد بود (ارجمندفر، ۱۳۹۶، صص ۱۵۰-۱۵۱).

ب) اقبال به عبادات و معنویات: امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «یقبل الناس علی العبادات والشرع و الدیانة والصلاة فی الجماعات؛ (در عصر ظهور) مردم به عبادت و دیانت و نماز جماعت روی می‌آورند» (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۱ق، ص ۵۹۲). در آن روزگار، توجه انسان‌ها به عبادت و پرستش خدا به نحوی می‌شود که با همه تلاش برای گسترش مساجد، بازهم کمبود جا احساس می‌شود. امام صادق علیه السلام درباره گسترش مساجد فقط در شهر کوفه می‌فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ بَنَى فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ وَ انْصَلَتْ يَبُوتُ الْكُوفَةِ بِنَهْرِ كَرْبَلَاءَ؛ هنگامی که قائم آل محمد قیام کند، در پشت کوفه مسجدی برپا می‌کند که هزار در دارد [کنایه از وسعت فوق‌العاده] و خانه‌های کوفه به نهر کربلا متصل می‌شوند» (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ص ۴۶۰).

ج) طهارت و پالایش نفوس: در روایتی، طهارت انسان‌ها در آن دوران چنین مطرح شده است: «و تطیب الدنيا و اهلها فی ایام دولته؛ در دوران حکومت او، دنیا و اهل دنیا (مردم) پاکیزه و طاهر می‌گردند» (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۹۳). در روایتی دیگر آمده است: «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... ذَهَبَتِ الشَّحَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ؛ هرگاه قائم ما قیام کند،... کینه‌ها و دشمنی‌ها از دل مردم بیرون می‌رود» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۱۵). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصف حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید: «يَفْتَحُ حُصُونِ الضَّلَالَةِ وَ قُلُوباً عُقْلًا؛ قلعه‌های گمراهی و دل‌های غفلت‌گرفته را باز می‌کند» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۶۴) روایت «وَهُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ أَنْ يَضْلِحَ أُمَّةٌ بَعْدَ فَسَادِهَا؛» (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۷۳) که بیانگر اصلاح امت بعد از فسادشان است نیز می‌تواند به همین پالایش انسان‌ها از فساد اشاره داشته باشد.

د) تکامل عظیم علمی: «خداوند به وسیله حضرت مهدی علیه السلام زمین را پس از تاریکی آن، از نور آکنده می‌کند و پس از ستم آن، از داد پر می‌نماید و آن را پس از جهل و نادانی، از دانش مالا مال می‌کند.» (ابن‌بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۶۰). آموزش همگانی و

گسترش علوم در دولت حضرت، به حدی است که حتی بانوان خانه‌دار طبق کتاب خدا و سنت نبوی حکم می‌کنند. از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؛ (در زمان ایشان) حکمت و دانش به مردم ارزانی می‌شود تا جایی که زنان، در خانه خود، به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله حکم می‌کنند» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۳۹). برخی احادیث دیگر حاکی از آن است که در آن دوران، دروازه‌های علوم برای انسان‌ها گشوده می‌شود؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دانش ۲۷ حرف است. تمام آنچه پیامبران برای بشریت آورده‌اند دو حرف بیش نبود و مردم نیز بیش از آن دو حرف را نشناختند؛ اما هنگامی که قائم قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را آشکار ساخته و در میان مردم منتشر می‌سازد و آن دو حرف را نیز بدان ضمیمه کرده تا همه علوم کامل و منتشر گردد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۳۶).

۲-۱-۱-۲. نقش مردم عصر ظهور

مردم در زمینه‌سازی و برپایی نظام مهدوی که مبتنی بر محوریت و حضور رهبری صالح و انسانی معصوم و کامل است، هم برای رسیدن به سعادت خودشان و هم زمینه‌سازی سعادت دیگران، مشارکت متعهدانه و فعال دارند؛ یعنی هم یک تعهد است و هم یک حق که فعالیت کند؛ اما در نظام‌های سیاسی غربی، به‌خصوص در نظام سیاسی لیبرال دموکراسی تنها می‌گویند: شما مشارکت سیاسی فعال داشته باشید تا حق خود را بگیرید؛ اما هیچ تعهدی نسبت به مصالح جمع و مصالح دیگران ندارید. در غرب الگوی مشارکت سیاسی مطلوب، مشارکت سیاسی فعال است؛ اما در نظام مهدوی، مشارکت سیاسی فعال و متعهدانه توصیه می‌شود (ر.ک: بهروزی لک، ۱۳۸۶ «ب»، ص ۳۹).

در نظام سیاسی مهدوی، به‌دلیل ولایت عالمانه و کامل امام علیه السلام و عدم برداشت‌ها و قرائت‌های گوناگون، مردم با هم در رسیدن به زندگی مطلوب اسلام اختلاف نخواهند داشت. حکومت مهدوی با همراهی و مشارکت مردم در نبرد با ظالمان شکل می‌گیرد و

همچنین مردم در فرایند تشکیل و مدیریت جامعه اسلامی تحت رهبری آن حضرت نقش آفرینی خواهند کرد. پس می‌توان نتیجه گرفت که نقش مردم در سه مرحله، محل بحث و اظهار نظر است: زمینه‌سازی، قیام و نبرد با مستکبران، و مشارکت در فرایند تشکیل و مدیریت جامعه اسلامی (نک: سلیمان، ۱۳۹۲، ص ۲۵۰).

۲-۱-۲. سرزمین

حکومت در طول تاریخ به گونه‌های مختلفی تقسیم شده است. یکی از این تقسیمات، تقسیم‌بندی آن به لحاظ قلمرو و گستره آن است. به لحاظ قلمرو می‌توان حکومت‌ها را به سه گونه اصلی حکومت‌های شهرمحور، حکومت‌های ملی و حکومت‌های جهانی تقسیم کرد. حکومت‌های جهانی، داعیه حکومت و زندگی در قلمرو فراگیر جهانی را دارند. حکومت جهانی را می‌توان در اندیشه جهان‌وطنی رواقیون در یونان قبل از مسیحیت یافت. ادیان نیز در صدد تشکیل حکومت جهانی بودند. از ادیانی که فرصت تشکیل حکومت را به دست آوردند، اسلام چنین داعیه‌ای را به صورت آشکار مطرح کرده است. تعالیم اسلام مخاطب خود را جهانیان قرار داده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. (انبیاء، ۱۰۷). سیره عملی پیامبر اسلام ﷺ نیز دعوت جهانیان بوده است. هرچند حکومت فراگیر جهانی اسلام در گذشته تحقق نیافت، اما در تعالیم اسلامی مطرح شده است که در آینده حتماً چنین حکومتی محقق خواهد شد (بهروزی لک، ۱۳۸۶ «الف»، صص ۳۲-۳۳). تردیدی نیست که مراد از حکومت وعده داده شده، حکومت حضرت مهدی ﷺ است؛ زیرا او موعود همه بشریت و تحقق‌بخش آرزوهای همه انسان‌هاست. بنابراین آنچه از زیبایی‌ها و خوبی‌ها در سایه حکومت او به وجود آید، سراسر زمین را فرا خواهد گرفت. این حقیقتی است که روایات فراوان، شاهد آن است. روایات در این زمینه چند دسته‌اند:

الف) روایات بسیاری که مضمون آن چنین است که مهدی ﷺ زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ج ۱، ص ۲۸۶).

واژه «زمین» (الارض) سرتاسر کره خاکی را در بر می گیرد و هیچ دلیلی وجود ندارد که معنای آن را به بخشی از زمین محدود کنیم.

ب) روایاتی که از تسلط امام مهدی علیه السلام بر مناطق مختلف جهان خبر داده است که گستردگی و پراکندگی و اهمیت آن مناطق، حکایت از سلطه آن حضرت بر تمامی جهان دارد و معلوم می شود که نام بردن از شهرها و کشورها در روایات از باب نمونه و مثال بوده و میزان درک مخاطبان روایات در آن زمان نیز ملاحظه شده است. در روایات مختلف از روم، چین، دیلم یا کوه های دیلم، سند، هند، قسطنطنیه، کابل شاه و خزر به عنوان مناطقی که امام مهدی علیه السلام بر آنها مسلط خواهد شد و آنها را فتح خواهد کرد، نام برده شده است (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۸۵؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۳۵).

ج) روایات پرشماری که به روشنی از جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام خبر می دهد.

در سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که خداوند فرموده است: «... من دین خود را به دست آنها (پیشوایان دوازده گانه) بر همه آیین ها پیروز می گردانم و به دست ایشان فرمان خود را (بر همه) چیره خواهم ساخت و به (قیام) آخرین آنها سراسر زمین را از دشمنانم پاک خواهم کرد و او را بر مشارق و مغارب زمین فرمانروا خواهم گرداند...» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۵۶).

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید: «الْقَائِمُ مَنَّا... يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَ يَظْهَرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ...» قائم از ما (خاندان پیامبر) ... فرمانروایی او مشرق و مغرب (عالم) را فرا خواهد گرفت و خداوند به دست او دین خود را بر همه ادیان غلبه می دهد؛ اگرچه مشرکان را خوش نیاید» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۳۱).

در مورد مرکز برپایی نظام سیاسی مهدوی، نام کوفه در روایات بیان شده است. مفضل بن عمر نقل می کند: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: خانه مهدی و محل اجتماع مؤمنان کجاست؟ و حضرت در جواب فرمود: «دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ وَ مَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا وَ بَيْتُ مَالِهِ وَ مَقَسَّمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ» محل حکومت او کوفه و جایگاه قضاوت و

حکمرانی‌اش مسجد جامع کوفه و بیت‌المال و محل تقسیم غنیمت‌ها مسجد سهله خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳، ص ۱۱).

۲-۱-۳. حکومت یا سازمان

شایسته‌ترین الگوی تعیین ساختار حکومت حضرت مهدی (عج) را تنها می‌توان برگرفته از الگوی حکومت انبیای الهی و سیره حکومتی نبوی و علوی دانست. با بازخوانی این حکومت‌ها می‌توان اشاره‌ای به ساختار این نظام داشت و عنوان‌هایی چون الگوی حکومت امامت را ترسیم کرد؛ اما باید توجه کرد که محدوده حکومت‌های الهی پیشین با گستره حکومت مهدوی قیاس‌شدنی نخواهد بود. تأکید روایات نیز بر تأسیس حکومت جدید، خود گواه دیگری بر مکتوم‌بودن ساختار حکومتی عصر مهدوی است. در روایتی امام باقر (ع) می‌فرماید: «إِذَا خَرَجَ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ؛ هنگامی که حضرت خروج می‌کند، به امر جدید و کتاب جدید و سنت جدید و داوری جدید قیام می‌نماید»^۱ (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۵۵)؛ از این رو فقط می‌توانیم هویت فلسفی حکومت مهدوی را در قالب «حکومت کمال‌گرا» معرفی کنیم که ساختار جدید آن در نظام‌های سیاسی موجود، ناشناخته است (ارجمندفر، ۱۳۹۶، صص ۱۶۵-۱۶۶).

با این حال، با مطالعه روایات مختلف درباره حکومت حضرت مهدی (عج) و تطبیق آن با دولت علوی می‌توان ساختار نظام سیاسی حضرت را براساس هرم زیر تصویر کرد:

- نهاد امامت (رهبری و خلافت)؛
- نهاد وزارت (وزیر و مشاور امام)؛

^۱. مراد از امر، کتاب، سنت و داوری جدید، آیین و دین جدید نیست؛ زیرا دین حاکم در عصر ظهور همان دین اصیل اسلامی و به تعبیری همان اسلام ناب محمدی است و چون حضرت مهدی (عج) هنگام ظهور، بدعت‌ها را کنار می‌زند و احکام اصیل اسلامی را پیاده می‌کند و حدود الهی را به‌طور کامل اجرا می‌نماید، این روش حضرت برای مردمی که از اصل اسلام فاصله گرفته‌اند، تازگی دارد. به همین جهت در روایات، تعبیر امر جدید، کتاب جدید و ... آمده است (نک: موسوی نسب، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۱۵۲-۱۵۴).

- نهاد امارت و ولایت (حاکمان و والیان جهان)؛
- نهاد کارگزار و اجرا؛
- نهاد قضاوت (کارگر، ۱۳۸۳، ص ۲۶۶).

در برخی منابع، علاوه بر این پنج نهاد، دو نهاد خزانه داری و نهاد نظامی و امنیتی نیز افزوده شده است (سلمان، ۱۳۹۶، ص ۱۳۲). البته در نگاه صاحب کتاب آینده جهان، این دو نهاد مغفول نمانده، بلکه آن دو را ذیل نهاد کارگزار و اجرا بیان کرده است (کارگر، ۱۳۸۳، ص ۲۶۶). دلیل بیان نشدن نهاد قانون گذاری در این تقسیمات آن است که حضرت مهدی علیه السلام به مثابه آخرین وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، برترین برپاکنده دین خدا و مجری احکام الهی در عصر مهدوی خواهد بود. ارتباط امام با قوانین الهی به واسطه ارتباط او با منبع اصلی فیض خداوندی است که از طریق برخورداری از علم لدنی و در قالب وراثتی الهی یا الهام و وحی غیر تشریعی تحقق خواهد یافت. این علم در وجود امام سبب خطاناپذیری ایشان در تمامی مقام های تبیین و تفسیر احکام الهی و همچنین حجیت در فعل و قول و تقریر ایشان خواهد بود. همان گونه که برخورداری از علم لدنی مستلزم وجود عصمت در امام است، تبیین احکام الهی انجام شده به دست امام نیز خطاناپذیر و مطابق با اراده خداوند خواهد بود. بنابراین در این دوران، با وجود امام معصوم دسترسی به متن اصلی احکام الهی میسر است. این امکان دسترسی به متن اصلی احکام الهی در عصر مهدوی، نظام حاکم را از وجود نهادی قانون گذار بی نیاز خواهد کرد (ارجمندفر، ۱۳۹۶، صص ۱۶۹-۱۷۰).

در ادامه، توضیحی مختصر درباره هر کدام از نهادهای ذکر شده ارائه می شود.

۲-۱-۳-۱. نهاد امامت (رهبری و خلافت)

اساسی ترین نهاد سیاسی دولت مهدوی، نهاد امامت و رهبری است که در آن، همه امور، سیاست گذاری جهانی، هدف گذاری، برنامه ریزی و تصمیم گیری را امام زمان علیه السلام و یاران باوفای ایشان انجام می دهند و برای اجرا به رؤسای زمین ابلاغ می کنند و مراحل اجرایی نیز تحت تمشیت این نهاد قرار دارد. امام زمان علیه السلام به همراه یارانش، رهبری نظام

سیاسی جهان را بر عهده دارند. رویهٔ سیاسی آنان، بر بینش الهی استوار است و غایت آن هدایت و نجات گمراهان و سوق دادن انسان‌ها از ظلمات به سوی نور و عدالت است (سلمان، ۱۳۹۶، صص ۱۲۷-۱۲۸).

در آن زمان، باوجود نزول حضرت عیسی علیه السلام، امامت اختصاص به مهدی علیه السلام دارد و حضرت عیسی علیه السلام پشت سر مهدی علیه السلام نماز گزارده و مهدی علیه السلام درحالی که عیسی علیه السلام نظاره گر صحنه است، صلیب را خواهد شکست (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۲۷۸).

۲-۱-۳. نهاد وزارت (وزیر و مشاور امام)

از نهادهای و ساخت‌های قدرت در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام که در ساخت حکومت علوی وجود نداشت، وزارت است. طبیعی است که در حکومتی که امام مهدی علیه السلام رهبری آن را بر عهده دارد، کارگزاران و مسئولان حکومت نیز باید از بزرگان و نیکان امت باشند (کارگر، ۱۳۸۳، ص ۲۶۶). براین اساس، وزیر و مشاور امام باید شخص برجسته‌ای باشد. براساس روایات، حضرت عیسی علیه السلام وزارت حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام را بر عهده خواهد داشت؛ چنان که در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «هو الوزير الايمن للقائم علیه السلام و حاجبه، و نائبه، و یسط فی المغرب و المشرق الأمن من کرامة الحجة بن الحسن صلوات الله علیهما؛ عیسی علیه السلام وزیر حضرت قائم علیه السلام و پرده دار و جانشین آن حضرت است و به کرامت حضرت حجت بن الحسن علیه السلام بر شرق و غرب عالم، امنیت را گسترش می دهد» (بحرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۳۰۷).

۲-۱-۳. نهاد امارت و ولایت (حاکمان و والیان جهان)

از نهادهای نظام سیاسی مهدوی، نهاد امارت و ولایت است. صاحبان امارت و ولایت، حاکمان و رؤسای سراسر زمین و کارگزاران نظام جدید جهانی هستند که ازسوی امام زمان علیه السلام به این مقام مهم نصب شده‌اند و مدیریت و ادارهٔ جهان را در دست دارند. این نهاد در دولت علوی وجود داشت و به دلیل گستردگی و وسعت قلمرو خلافت اسلامی در آن عصر که سرزمین‌های پرشماری از مصر تا ایران و شام را شامل

می شد، از جایگاه و اهمیت بسزایی برخوردار بود. در عرف مسلمانان، امیر (والی) کسی است که خلیفه، او را در شهر یا منطقه‌ای از بلاد اسلامی، به ایالت و حکومت نصب کند، مانند آنچه در زمان خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) اتفاق افتاد. در آن مدت، امیرالمؤمنین (علیه السلام) حذیفه بن یمان و سلمان فارسی را به ترتیب در مقام حاکمان «مدائن» و محمد بن ابی بکر و مالک اشتر را حاکمان «مصر» و عمار را حاکم «کوفه» قرار داد و برای آن‌ها اختیارات، وظایف و شئون مستقلی - با توجه به مکان و موقعیت محل حکومت - قائل شد (کارگر، ۱۳۸۳، صص ۲۷۲-۲۷۳).

در حکومت جهانی حضرت، این نهاد به شکل بهتر و کامل‌تر در سراسر جهان وجود خواهد داشت. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «فبیعت المهدی (علیه السلام) الی امرائه بسائر الامصار بالعدل بین الناس؛ پس مهدی (علیه السلام)، امیران و کارگزاران خود را به شهرها می‌فرستد و دستور می‌دهد که عدالت را در میان مردم پیاده کنند» (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۱ق، ص ۵۹۲). از ویژگی‌های برجسته حاکمان و زمامداران حکومت جهانی حضرت این است که آنان از سرزمین‌های مختلفی هستند و منحصر به یک یا دو کشور و قومی خاص نیستند. این امر، نشان‌دهنده ماهیت جهانی و فراقومی «حکومت عدل مهدوی» است. نکته دیگر آنکه امام زمان (علیه السلام) نحوه عملکرد این حاکمان را با دستورالعملی به آن‌ها ابلاغ می‌کند. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ أَقَرٌّ لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَأَنْظِرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا؛ هنگامی که قائم قیام کند، در اقالیم روی زمین کسانی را بر می‌انگیزد، در هر سرزمین یک نفر را و به او می‌گوید: فرمان تو در کف دست تو است، هرگاه کاری برای تو پیش آمد که آن را نفهمیدی و ندانستی چگونه در آن حکم کنی، به کف خود بنگر و به آنچه در آن (مکتوب) است، عمل کن» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۳۱۹).

۲-۱-۳-۴. نهاد کارگزار و اجرا

در سلسله مراتب اجرایی و سیاسی در حکومت اسلامی، پس از امام و والی، والاترین

قدرت در اختیار عامل (کارگزار) حکومت اسلامی قرار دارد. این عنوان در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله وضع شده بود. از آغاز پدید آمدن منصب کارگزاری، عامل به طور معمول از بین اصحاب باسابقه و دارای توانایی علمی و اجرایی برگزیده می شد. عمده وظیفه او در حوزه مسئولیتش، تبلیغ دین، اقامه جمعه و جماعت، اجرای منویات امام، فصل خصومت‌ها، فرماندهی سپاه، جمع آوری انفال و خراج و دیگر اموال در بیت المال مسلمانان بود. کارگزاران حکومت مهدوی ممکن است به طور مستقیم زیر نظر امام به فعالیت پردازند و یا تحت اشراف والیان و حکومت‌های شهرها به وظیفه خود عمل کنند (کارگر، ۱۳۸۳، صص ۲۷۶-۲۷۷).

۲-۱-۳-۵. نهاد قضاوت

قضاوت از مناصب مهم در حکومت اسلامی و از اموری است که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از آن، بدان اهتمام بسیاری داشتند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کنار امور اجرایی و نظامی، خود به کار قضاوت نیز رسیدگی می کرد و در موارد ضروری، تصدی آن را به برخی از اصحاب، از جمله امام علی علیه السلام واگذار می نمود (کارگر، ۱۳۸۳، ص ۲۸۱).

در دوره ظهور امام زمان علیه السلام نقطه عطفی در کارنامه این نهاد رقم خواهد خورد که براساس روایات، داوری امام زمان علیه السلام همانند داوری حضرت داود علیه السلام بدون ارائه بینه و شهود، بر پایه علم قاضی بنا شده است (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۳۱۵). درباره وجه مشابَهت قضاوت مهدوی با داوری حضرت داود علیه السلام دو احتمال مطرح شده است: نخست، قضاوت بر پایه علم غیب الهی؛ و دوم، قضاوت براساس فنون بازجویی علم آور و تکنولوژی پیشرفته. بنابر یک تحلیل، احتمال دوم به دلیل دو امتیازی که به همراه دارد، طبیعی تر و سازگارتر است: یکی، جنبه اقناعی آن برای انسان‌ها و مخاطبان؛ و دیگری، قابلیت تعمیم و توسعه به دیگر قاضیان منصوب از سوی امام زمان علیه السلام (نک: محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۹، صص ۳۹۲-۴۰۱). البته قضاوت در آن روزگار، مختص حضرت نبوده است و طبق برخی روایات، حضرت عیسی علیه السلام نیز به این کار اهتمام خواهند داشت. در این زمینه، روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَيُوشِكَنَّ أَنْ يَنْزَلَ فِيكُمْ

ابْنُ مَرْيَمَ حُكْمًا عَدْلًا؛ قسم به آن که جانم در دست او است، عیسی بن مریم علیه السلام به زودی از آسمان به عنوان حاکم عادل می آید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۸۲).

افراد دیگری هم کار قضاوت را بر عهده دارند و مشمول عنایت امام زمان علیه السلام خواهند بود. امام صادق علیه السلام می فرماید: «عده ای که به همراه قائم علیه السلام بیرون می آیند، برگزیدگان، قاضیان، حاکمان و فقیهان هستند که قائم علیه السلام به شکم ها و پشت های آن ها دست می کشد، پس هیچ حکمی بر آن ها مشتبه نمی شود.» (طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳، ص ۵۶۲).

۲-۱-۴. حاکمیت

منظور از حاکمیت، همان اقتدار و استقلال سیاسی حکومت در داخل و خارج است. در دوران رهبری امام مهدی علیه السلام، با ایجاد مرکزیتی واحد و مدیریت و حاکمیتی یگانه برای همه جوامع، نژادها و منطقه ها، یکی از ریشه های اصلی تضاد و جنگ و ظلم از بین برداشته می شود. در این دوران، انسان ها بدون ترس از فشار سیاست ها، به آغوش انسان ها باز می گردند و مهربان و برادر در کنار یکدیگر زندگی می کنند. در این نظام نوین، مناطق مرفه نه تنها از استثمار ملل محروم و استعمار جوامع ضعیف دست می کشند، بلکه به جبران کمبودها، عقب ماندگی های و نابسامانی ها ساختاری در مناطق آسیب پذیر همت می گمارند. به معنای واقعی کلمه، یک امت و یک خانواده از همه جوامع بشری تشکیل می شود. البته دو مانع بزرگ بر سر راه چنین آرمانی عظیم وجود دارد:

- عوامل سلطه و استکبار جهانی که از سرمایه داران و سیاستمداران تشکیل می شود.

- عقب ماندگی فرهنگی و نبود تربیت درست انسانی که به همین دلیل توده های انسانی در مسیر غرض ها و خود کامگی های مستکبران قرار می گیرند.

این هر دو عامل، در آن دوران و به دست با کفایت امام مهدی علیه السلام ریشه کن می شوند و با تصفیۀ جوامع بشری از عوامل سلطه و استکبار مالی و سیاسی، عامل قدرتمند مرکزی ایجاد می شود و با هدایت و تربیت درست انسان ها، روابط صمیمی و نزدیک

میان همه انسان‌ها از هر نژاد و زبان و ملیت برقرار می‌گردد. در پرتو این دو جریان، راه بشریت به سوی زندگی سعادت‌مندانه هموار می‌شود (حکیمی، ۱۳۸۱، صص ۱۶۲-۱۶۳).
براساس تبیین عناصر چهارگانه ساختار نظام سیاسی مهدوی، کارآمدی این نظام از جهت ساختار حاکمیتی آشکار می‌شود.

۲-۲. کارآمدی از جهت ابزارهای حاکمیتی

در این بخش، از کارآمدی نظام سیاسی مهدوی از جهت ابزارهایی که حکومت مهدوی از آن‌ها در راستای رسیدن به مقاصد خود بهره می‌برد، بحث می‌شود.

۲-۲-۱. بهره‌گیری از علم و فناوری و استفاده از دستاوردهای علمی جدید

علم‌جویی، میل فطری بشریت است؛ از این رو هیچ حکومتی چاره‌ای ندارد جز اینکه زمینه را برای تعالی و پیشرفت علمی هرچه بیشتر ملت خود فراهم کند. به مقتضای این میل فطری، نظام سیاسی مهدوی نیز چنین است که بسان دیگر نظام‌های سیاسی، بلکه بهتر و کامل‌تر از همه آن‌ها، بر علم و فناوری تکیه خواهد کرد و به دستاوردها و اکتشافات علمی جدید ارج می‌نهد.

گواه بر ارزش و جایگاه علم در نگاه مهدوی، روایات پرشماری است که برخی از آن‌ها بیانگر دست‌گذاشتن حضرت بر سر بندگان و تکمیل عقول آنان بدین وسیله است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵). برخی دیگر نیز حکایت از ۲۷ حرف و شاخه بودن علم دارد که تنها دو حرفش قبل از قیام حضرت آشکار است و بقیه در دوران ظهور کامل می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۳۶) و روایاتی دیگر از این قبیل (نک: نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۳۹).

اما در زمینه پیشرفت تکنیک و فناوری هم احادیثی وجود دارد که از زوایای متفاوتی به مسئله می‌نگرند. بی‌شک تکنولوژی در زمان حضرت بسیار متفاوت با فناوری امروزی بشر خواهد بود. در زمان حضرت، محدودیت‌هایی که امروزه بر تکنولوژی بشر حاکم است، وجود نخواهد داشت و دامنه آن گسترده‌تر از سطحی خواهد بود که بشر

امروز توان درک آن را دارد. درباره پیشرفت فناوری در عرصه ارتباطات، روایت شده است: «هرگاه قائم ما قیام کند، خداوند آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می کند که میان آن ها و قائم علیه السلام، نامه رسان نخواهد بود. با آن ها سخن می گوید و آن ها سخنش را می شنوند و او را می بینند؛ درحالی که او در مکان خویش است و آن ها در نقاط دیگرند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۴۱). در زمینه سرعت در حمل و نقل هم آمده است: «مهدی علیه السلام بر ابرها سوار می شود و از وسایلی نظیر وسایل آسمان ها و زمین های هفت گانه استفاده کرده و با آن ها بالا می رود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۲۱).

۲-۲-۲. به کارگیری مدیران شایسته و متخصص

نظام حکومت مهدوی، یک نظام شایسته سالار است و کارگزارانش همچون رهبر آن، از کفایت و لیاقت تام بهره مندند. آنان گذشته از آنکه در جایگاه عام خویش، در برابر نظام و ملت مسئول اند و حافظ نظم و امنیت در جامعه هستند، مبلغ فرهنگ مهدوی و آینه حاکی از اندیشه و سیره مهدوی در جامعه اند. امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی از کارگزاران حضرت این گونه یاد می کند: «أُولَئِكَ خِيَارُ الْأُمَّةِ مَعَ أَزْوَاجِ الْعِثْرَةِ؛ آنان (یاران مهدی) بهترین امت اند که با نیکان اهل بیت همراه هستند» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۷۳). در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام از اصحاب حضرت به «أَصْحَابُ الْأُلُويَةِ» و «حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ» یاد کرده است و می فرماید: «گویا به قائم علیه السلام نگاه می کنم که بالای منبر کوفه است و سیصد و سیزده تن یارانش به شماره اهل بدر، اطرافش هستند و آنان پرچم داران و حکام خدایند در روی زمین بر خلقش» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، صص ۶۷۲-۶۷۳). اینها تعابیر بلند و والایی است که جز بر افراد شایسته و کاردان صدق نمی کند.

۲-۲-۳. استفاده از خرد جمعی

خرد جمعی یا هوش جمعی، برآیند دیدگاه های گروهی از افراد به جای یک فرد متخصص است. امروزه، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، تأثیرات وسایل ارتباط جمعی بر جامعه و نیز تأثیرپذیری آن از جامعه را با رویکردی جامعه شناختی با تأکید بر

وسایل ارتباطی نوین مورد بررسی قرار می‌دهد. در این میان، از مهم‌ترین عوامل اجتماعی، پدیدارشدن مسئله خرد جمعی است که در قالب مشورت و همفکری شکل گرفته است و از جمله ویژگی‌های جوامع فرهیخته برای تأسیس نهادهای مردم‌سالارانه به شمار می‌آید (کریمی راهجردی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۵۵۲). ایده خرد جمعی را می‌توان در سیاست‌های ارسطو با طرح «چند سر بهتر از یک سر است»، ردیابی کرد (رضایی، ۱۴۰۱، ص ۲۶). خرد جمعی به انسان کمک می‌کند تا از دوگانگی «خود» و «دیگری» فراتر رود؛ زیرا یادآور می‌شود همگان بخشی از یک چارچوب بزرگ‌ترند که در آن نقش‌های خود را ایفا می‌کنند. چنین چارچوبی، با استفاده از ظرفیت‌های گسترده مشارکت واقعی، همکاری و به‌ویژه تنوع شناختی افراد جامعه، می‌تواند با استخراج دیدگاه‌های مختلف، تقسیم‌بندی‌هایی را که سبب جدایی و تمایز میان افراد می‌شود، التیام بخشد. به تعبیر برخی، خرد جمعی تغییر سازنده‌ای است که هم بر آگاهی درونی و هم بر رفتار بیرونی تأثیر می‌گذارد. این تأثیر می‌تواند تا حدودی به حرکت اجتماعی در جهت یکپارچگی و انسجام، انصاف و عدالت در جامعه خدمت کند (رضایی، ۱۴۰۱، ص ۵۰-۵۱). باوجود آنکه رهبر نظام سیاسی مهدوی شخصیتی معصوم و در اوج عقلانیت و تدبیر است، استفاده از خرد جمعی هیچ‌گونه منافاتی با شخصیت جامع ایشان ندارد؛ زیرا فایده استفاده از خرد جمعی، لزوماً به آن شخص بازنمی‌گردد، بلکه گاهی فایده آن متوجه افراد جامعه است و حتی در بعضی موارد، این فایده صرفاً برای آنان است؛ برای نمونه، چنین رویکردی می‌تواند فرهنگ مشورت و بهره‌گیری از خرد جمعی را به افراد بیاموزد، شبهه تک‌روی و استبداد رأی را برطرف کند و سبب تکریم شخصیت افراد شود.

۲-۴. تکیه بر کارشناسی‌های گروه‌های مشورتی

مشورت، از جمله آموزه‌های قرآنی و نبوی است که پشتوانه عقلی نیز دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آنکه افضل از امام زمان علیه السلام است، به آن مأمور بوده و این مهم را به انجام می‌رسانده است. بنابراین امام زمان علیه السلام با اینکه در زمان خود، اعلم و احکم مردم است،

در اداره کشور استبداد رأی ندارد و از این ابزار حاکمیتی استفاده می‌کند و با یاران و بزرگان مشورت می‌نماید. یکی از گواه‌ها بر این مسئله، وجود نهاد وزارت در ساختار نظام سیاسی مهدوی است؛ زیرا از جمله وظایف اصلی نهاد وزارت و شخص وزیر، مشورت با حاکم و رهبر آن ساختار است. بنابراین روایتی که در صفحات پیشین، حاکی از وزارت حضرت عیسی علیه السلام برای حضرت مهدی علیه السلام بود، بر تحقق امر مشورت و توجه حضرت به کارشناسی‌های گروه‌های مشورتی نیز دلالت دارد.

۲-۲-۵. فرهنگ‌سازی

فرهنگ‌سازی را می‌توان فرایندی دانست که موجبات محتواسازی، ساختاریابی، اصلاح‌بخشی و مشارکت‌دهی اجتماعی را از رهگذر تعامل‌گرایی جوامع فراهم می‌سازد. فرهنگ‌سازی از طریق واسطه‌های فرهنگی در سه مرحله تولید، توزیع و مصرف محصولات فرهنگی مربوط به خلاقیت‌های بشری در عرصه هنر و دانش انجام می‌شود که سبب تغییر ذهنیت‌ها، اعتقادات، ایدئولوژی‌ها و انتقال اطلاعات و شیوه‌های زندگی در فرایند تطابق افراد با محیط پیرامون می‌شود (دهشیری، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲). فرهنگ‌سازی، روش‌های پرشماری دارد که اسوه‌سازی و اسوه‌مداری، انذار و بیم، جلب توجه، اعطای ینش غیرمستقیم، تکلیف در غایت وسع، تبشیر و تشویق، تدریج و تدرج، تفصیل احکام، مداومت و محافظت، و تنوع بیان، نمونه‌هایی از آن است که کاربست این روش‌ها، فرهنگ مد نظر را در جامعه نهادینه می‌کند (سبحانی یامچی، ۱۳۹۸، صص ۱۶۳-۱۸۳).

امام زمان علیه السلام با تشکیل حکومت جهانی الهی، فرهنگ الهی را در جهان نهادینه خواهد کرد. فرهنگ‌سازی حضرت، امری جامع و دربرگیرنده همه عرصه‌های اجتماعی است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت هدف حضرت از انجام هر کاری در اجتماع، در راستای فرهنگ‌سازی آن عمل است؛ برای نمونه، هنگامی که ایشان کارگزاران متخصص و لایقی را برای اجرای قوانین برمی‌گزینند، مقصود وی، تبدیل شدن نصب کارگزاران لایق به عنوان یک فرهنگ است. اگر حضرت با هر ظلمی در هر مقطعی مبارزه می‌کند،

غرض وی آن است که ظلم‌ستیزی مطلق را به‌عنوان یک فرهنگ در جامعه مطرح کند. به تعبیر یکی از پژوهشگران عرصه مهدویت، در حکومت جهانی حضرت مهدی به مقوله فرهنگ و فرهنگ‌سازی اهمیت خاصی داده می‌شود؛ به گونه‌ای که یک تحول عظیم فرهنگی صورت می‌گیرد و فرهنگ جدیدی جایگزین فرهنگ‌های ناسالم و منحط می‌شود. طبق بیان ایشان، اگر ما فرهنگ را شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها، دانش و محصولات و نمادها بدانیم، خواهیم دید که همه ابعاد فرهنگ مورد توجه امام زمان علیه السلام است و اصلاح و دگرگونی اساسی در آن رخ خواهد داد. دوران ظهور، دوران گسترش فرهنگ سالم و انسانی در همه سطوح جامعه، و زدودن خرافات، پیرایه‌ها و آداب و رسوم ناسالم و غیرمفید است (نک: کارگر، ۱۳۹۳، صص ۱۶-۱۷).

۲-۲-۶. تصویب قوانین و مقررات مالیاتی

تصویب قوانین و مقررات مالیاتی، از مهم‌ترین وظایف مجلس در هر کشوری است؛ زیرا مالیات از مهم‌ترین منابع درآمد دولت‌هاست. کشورهای مختلف برای تأمین بودجه، برخی از مردم کشور را مشمول پرداخت مالیات می‌کنند و این بودجه به دست آمده را برای آبادانی و بهره‌وری کشور مصرف می‌کنند. به همین دلیل است که می‌توان به ضرورت پرداخت مالیات در کشور پی برد. دولت این بودجه را برای پروژه‌های تجاری و رشد اقتصادی کشور مصرف می‌کند. پرداخت مالیات از سوی مردم تأثیر بسیار مهمی در وضعیت اقتصادی کشور می‌گذارد. اگر کشور دارای مدیریت قوی باشد و مالیات به دست آمده را در جهت درست، سازمان‌بندی کند، می‌تواند به رشد اقتصادی بسیار بالایی دست یابد. دولت این مالیات را برای پرداخت حقوق کارکنان دولتی و دیگر افراد مرتبط با دولت مصرف می‌کند و این سازمان‌های دولتی هم در جهت آبادانی، بهره‌وری و رشد اقتصادی کشور تلاش می‌کنند.

ازجمله اقدامات و برنامه‌های اقتصادی حکومت حضرت مهدی علیه السلام که نقش مؤثری در ایجاد رفاه و آسایش اقتصادی و خشکاندن ریشه‌های فقر و محرومیت در کل جهان دارد، گرفتن مالیات اسلامی (به معنای اعم آن که شامل خمس و زکات هم می‌شود) و

توزیع عادلانه آن در بین افراد مستمند، بیمار و مستحق خواهد بود. آن گونه که در روایات آمده است، مجازات سنگینی در انتظار مانعان از پرداخت زکات خواهد بود. در روایتی می‌خوانیم: «خون دو کس در اسلام هدر است؛ ولی این حکم را کسی اجرا نمی‌کند تا قائم علیه السلام قیام کند: یکی، خون مرد زن‌دار زناکار است که آن حضرت او را سنگسار می‌کند؛ و دیگر، خون کسی است که از پرداخت زکات خودداری می‌کند که مهدی علیه السلام گردن او را خواهد زد» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۸۷). برخورد سخت حضرت با کسی که زکات نمی‌پردازد به آن سبب است که عدم پرداخت زکات، سبب اخلال در چرخه اقتصاد حکومت الهی است. این امر، با فلسفه حکومت مرفعی آن امام در تضاد آشکار است.

در عصر ظهور، مالیات اسلامی به دقت جمع‌آوری، و کاملاً عادلانه توزیع و تقسیم می‌شود و نظام طبقاتی حاکم قبل از ظهور، نابود می‌گردد و جامعه‌ای مبتنی بر معیارهای اسلامی و انسانی به وجود خواهد آمد؛ جامعه‌ای که در آن، با نفی تبعیض و بی‌عدالتی، همه از امکانات رفاهی بهره‌مند خواهند شد.

نتیجه‌گیری

عصر ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام که دوران حاکمیت عدل و داد است، از یک نظام متعالی برخوردار است که از ساحت‌های آن، نظام سیاسی است. از جمله مسائل مهم در مباحث سیاسی، مسئله کارآمدی است که آن نیز ابعاد مختلفی دارد. از ابعاد مهم مسئله کارآمدی، کارآمدی در عرصه ساختار است که در دو محور ساختار حاکمیتی و ابزارهای حاکمیتی قابل بحث و بررسی است. چنان‌که گفته شد، در محور ساختار حاکمیتی، از چهار عنصر اساسی تشکیل‌دهنده ساختار نظام سیاسی مهدوی سخن به میان می‌آید که عبارت‌اند از: مردم، سرزمین، حکومت (یا سازمان) و حاکمیت. در بحث مردم، به برخی از ویژگی‌های مردم عصر ظهور همچون دین‌گرایی و صف‌ناپذیری، اقبال به عبادات و معنویات، طهارت و پالایش نفوس و تکامل عظیم علمی اشاره شد. در بحث سرزمین و حکومت (یا سازمان)، ضمن بیان جهانی‌بودن قلمرو حکومت مهدوی،

بیان شد که ساختار نظام سیاسی حضرت را می‌توان براساس هرم زیر تصویر کرد: نهاد امامت، نهاد وزارت، نهاد امارت و ولایت، نهاد کارگزار و اجرا و نهاد قضاوت. در حوزه حاکمیت نیز گفته شد که در دوران رهبری امام مهدی علیه السلام، آن حضرت با ایجاد مرکزیتی واحد و مدیریت و حاکمیتی یگانه برای همه جوامع، نژادها و منطقه‌ها، به این مهم جامه عمل خواهد پوشاند. از جهت ابزارهای حاکمیتی هم این ابزارها را می‌توان برشمرد: بهره‌گیری از علم و فناوری و استفاده از دستاوردهای علمی جدید، به کارگیری مدیران شایسته و متخصص، استفاده از خرد جمعی، تکیه بر کارشناسی‌های گروه‌های مشورتی، فرهنگ‌سازی و تصویب قوانین و مقررات مالیاتی. نتیجه این بخش، آن است که ساختار نظام سیاسی مهدوی از جهت ابزارهای حاکمیتی هم در حد بالایی از کارآمدی قرار دارد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

- آقابخشی، علی؛ افشاری‌راد، مینو. (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: انتشارات چاپار.
- آوتویت، ویلیام؛ باتامور، تام. (بی‌تا). فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم (مترجم: حسن چاوشیان). تهران: نشر نی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمة (محقق و مصحح: علی‌اکبر غفاری، ج ۱ و ۲). تهران: انتشارات اسلامی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول (محقق و مصحح: علی‌اکبر غفاری). قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ابوالحمد، عبدالحمید. (۱۳۷۴). مبانی سیاست. تهران: انتشارات توس.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). کشف الغمة فی معرفة الأئمة (محقق و مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲). تبریز: انتشارات بنی هاشمی.
- ارجمندفر، سعید. (۱۳۹۶). حکومت‌مهدوی یا دولت‌مسیحایی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- انوری، حسن. (۱۳۹۰). فرهنگ بزرگ سخن (ج ۶). تهران: انتشارات سخن.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۱ق). حلیۃ الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام (ج ۶). قم: انتشارات مؤسسه المعارف الإسلامية.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق). المحاسن (محقق و مصحح: جلال‌الدین محدث، ج ۱). قم: انتشارات دار الکتب الإسلامية.
- بهروزی لک، غلامرضا. (۱۳۸۶«الف»). حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام. امان، (۷)، صص ۳۲-۳۳.

بهروزی لک، غلامرضا. (۱۳۸۶ «ب»). نقش و جایگاه مردم در نظام سیاسی مهدوی. امان، (۴)، صص ۳۸-۳۹.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵ق). إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات (ج ۵). بیروت: انتشارات اعلمی.

حکیمی، محمد. (۱۳۸۱). عصر زندگی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
خزاز رازی، علی بن محمد. (۱۴۰۱ق). کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر (محقق و مصحح: عبداللطیف حسینی کوهکمری). قم: انتشارات بیدار.
دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا (ج ۱۲). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

دهشیری، محمدرضا. (۱۳۸۸). رسانه و فرهنگ‌سازی. تحقیقات فرهنگی، ۲(۸)، صص ۱۷۹-۲۰۸.

رضایی، مریم. (۱۴۰۱). الگویابی خرد جمعی در سطح نظری و ارائه یک مدل تحلیلی - تلفیقی برای آن. جامعه‌شناسی ایران، ۲۳(۱)، صص ۲۵-۵۳.

<https://doi.org/jsi.2022.550604.1554/10.22034>

سبحانی یامچی، محمد. (۱۳۹۸). روش‌های تربیتی فرهنگ‌سازی اقامه نماز در سیره رضوی. فرهنگ رضوی. ۷(۲۸)، صص ۱۵۷-۱۸۶.

<https://doi.org/10.22034/farz.2019.101663>

سلمان، محمد. (۱۳۹۶). آرمان‌شهر مهدوی در اندیشه سیاسی اسلامی. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

سلیمیان، خدامراد. (۱۳۹۲). نقش مردم در انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج). قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۴۲۱ق). منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر. قم: مؤسسه السیده المعصومة سلام الله علیها.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰ق). إعلام الوری بأعلام الهدی. تهران: انتشارات اسلامی.

- طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۱۳ق). دلائل الإمامة (محقق و مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة). قم: انتشارات بعثت.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). الغيبة (محقق و مصحح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح). قم: دار المعارف الإسلامية.
- عمید، حسن. (۱۳۸۳). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قیصری، نورالله؛ و قربانی، مصطفی. (۱۳۹۴). کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی. دانش سیاسی، ۱۲(۲۲)، صص ۱۲۹-۱۴۸.
- کارگر، رحیم. (۱۳۸۳). آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت). تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
- کارگر، رحیم. (۱۳۹۳). توسعه فرهنگی در عصر ظهور و چشم انداز آن در جامعه منتظر. انتظار موعود، ۱۴(۴۵)، صص ۷-۳۰.
- کریمی راهجردی، اشرف؛ قوام، عبدالعلی؛ خرازی، رها؛ و گرانمایه پور، علی. (۱۴۰۰). آثار رسانه‌های غیررسمی بر خرد جمعی (مطالعه موردی: انتخابات ریاست جمهوری ایران). دانش سیاسی، ۱۷(۳۴)، صص ۵۴۷-۵۶۸.
- <https://doi.org/pkn.2021.240080.2777/10.30497>
- کلانتری، ابراهیم. (۱۳۹۳). کارآمدی نظام سیاسی، مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و ابزارهای آن. سیاست، ۳۱(۳)، صص ۴۶۵-۴۸۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۱ و ۸). تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (محققان و مصححان: علی اکبر غفاری، محمد تقی مصباح یزدی؛ محمد مهدی خراسان؛ ابراهیم میانجی و عبدالرحیم ربانی شیرازی، ج ۵۲ و ۵۳). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمودی ری شهری، محمد. (۱۳۹۳). دانشنامه امام مهدی علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ (ج ۹). قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.

- معین، محمد. (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی معین (ج ۳). تهران: نشر سی گل.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد (محقق و مصحح: مؤسسة آل البيت عليه السلام، (ج ۲). قم: انتشارات کنگره شیخ مفید.
- موسوی نسب، سید جعفر. (۱۳۸۵). ۲۰۰ پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه السلام (ج ۱). تهران: انتشارات فرهنگ منهای.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). الغیبة (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری). تهران: نشر صدوق.
- نوروزی، محمدجواد. (۱۳۹۴). شاخص کارآمدی اسلام در بعد ساختاری نظام اسلامی. معرفت سیاسی، ۷(۱۳)، صص ۵-۲۸.